

جام جم

۱۰

حوادث

INCIDENT

پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۸۶

زنان در دام دوسارق مسافربرنما

فداکاری پرستار برای نجات دختر همسایه



ایلا حسین زاده گزیده‌ای بود که پرستار بیمارستان گروه حوادث

آیت‌الله خویی برای نجات دختر ۱۸ ساله که هنگام سقوط تنها یک قدم با پایان عمرش فاصله داشت، انجام داد. فیلم این حادثه که در شهرستان خوی استان آذربایجان غربی رخ داد، مدتی پیش در فضای مجازی پربازدید شد و واکنش‌های مردمی را به دنبال داشت. این پرستار جوان ۳۲ ساله، با شجاعت بدنش را حائل میان زمین و دختر در حال سقوط کرد و جان او را از مرگ حتمی نجات داد. این در حالی است که پرستار جوان از نواحی گردن، پا، شانه و سر و بینی دچار آسیب‌دیدگی شد. میرزاشاهشی مقدم، همان فرشته نجات دختر جوان است که در تشریح حادثه به جام‌جم می‌گوید: «ساعت ۱۹:۱۵ غروب بود و باید حداکثر تا ۱۵ دقیقه خودم را به بیمارستان می‌رساندم، ناگهان متوجه دختر همسایه شدم که در حال سقوط از خانه‌اش

بود و در صورت برخورد با زمین احتمال داشت اتفاقی تلخ رقم بخورد. در آن لحظه به تنها چیزی که فکر می‌کردم این بود کاری کنم تا دختر جوان هیچ آسیبی نبیند، حتی اگر خودم جانم را از دست دهم. چون از دوران کودکی ورزش می‌کردم و کشتی هم می‌گرفتم، نیروی جسمی خوبی داشتم. برای همین به سرعت جاگیری کردم و آن دختر روی من سقوط کرد، طوری که شدت ضربه گرفته شد و انگار از فاصله یک متری روی زمین افتاده بود. در آن لحظه بر اثر شدت ضربه مدتی بیهوش شدم و زمانی که به هوش آمدم، فقط یک جمله از دختر جوان شنیدم که گفت: نمی‌خواهم بمیرم. آن دختر خوشبختانه هیچ

دو مرد که با ربودن زنان میانسال و سالخورده آنها را به مرگ تهدید کرده و طلاهای‌شان را سرق می‌کردند، تحت تعقیب پلیس تهران قرار گرفتند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل مرداد ماه امسال زنی سالخورده با حضور در پلیس آگاهی تهران از دو مرد به اتهام آدم‌ربایی و سرقت شکایت کرد و گفت: عصر روز حادثه در جنوب غرب تهران منتظر تاکسی بودم تا به خانه‌ام برگردم اما هرچه منتظر شدم خبری از تاکسی نشد. سرانجام یک خودروی سواری مقابلم توقف کرد. سمت راننده رفتم و مقصد را

گفتم. چون او جعبه و وسایلی در صندلی جلو گذاشته بود نتوانستم در آنجا بنشینم و رفتم در صندلی عقب نشستم. مردی هم عقب نشسته بود و گمان کردم مسافر است. بعد از طی مسافتی راننده به یکباره تغییر مسیر داد. به او اعتراض کردم که توجهی نکرد و به یکباره مردی که کنارم نشسته بود چاقویی را سمتم گرفت و تهدیدم کرد. همانجا فهمیدم باهم همدستند. آنها به اطراف شهر رفتند و طلاهایم را به زور سرت کردند و در ادامه مرا به محله‌ای خلوت بردند و رها کردند. طلاهایم یک میلیارد

«جام‌جم» تبعات حقوقی قدرت‌نمایی در فضای مجازی را بررسی می‌کند

پاسخ قانون به خشونت در قلاب اینستاگرام



که با ارتکاب جرم، قدرت‌نمایی، ایجاد رعب و تهدید، آرامش جامعه را هدف قرار می‌دهند، باید بدانند پاسخ پلیس به این اقدامات، قاطع، قانونی و بازدارنده خواهد بود.

او می‌گوید: «فضای مجازی امروز علاوه بر فرصت‌های فراوان، می‌تواند بستری برای نمایش رفتارهای مجرمانه، ترویج خشونت یا ایجاد احساس ناامنی نیز باشد. از این‌رو، پلیس ضمن رصد هوشمندانه این فضا، با افرادی که از بستر شبکه‌های اجتماعی برای تهدید، قدرت‌نمایی و آسیب‌رساندن به دیگران استفاده می‌کنند، برخورد قانونی خواهد کرد.»

شرایط می‌تواند تبعات کفیری نیز داشته باشد. سردار وحید مجید، رئیس پلیس فتا فراجانیز اخیرادر این باره تأکید برصد مستمر فضای مجازی می‌گوید: «تولید، انتشار و اشتراک هرگونه محتوایی که شامل تحریک، ترغیب، تهدید، دعوت، فریب یا تسهیل شیوه ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز باشد و به تشویش اذهان عمومی یا ایجاد ناامنی در فضای سایبر منجر شود، جرم محسوب شده و با مرتکبان برابر قانون جرائم رایانه‌ای و سایر قوانین مرتبط برخورد قاطع خواهد شد.»

رئیس پلیس فتا فراجامی افزاید: «انتشار هرگونه کلیپ یا محتوایی که در آن صحنه‌های خشونت‌آمیز وجود داشته باشد و زمینه برانگیختن منفی احساسات عمومی، قبح‌شکنی رفتارهای مجرمانه و ترویج الگوهای خشونت‌آمیز را فراهم کند، مورد‌رصد پلیس فتا قرار می‌گیرد.»

سردار مجید اظهار می‌کند: «برخی کاربران به‌منظور جلب مخاطب بیشتر، کسب درآمد و... اقدام به تولید محتوای پرخاشگرانه می‌کنند. این محتواها پس از انتشار، در سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش می‌یابد و می‌تواند موجب مسئولیت‌کفیری برای منتشرکننده شود؛ چرا که براساس قانون، صرفا تولید یا انتشار چنین محتواهایی جرم محسوب نمی‌شود، بلکه آثار سوء اجتماعی، روانی و امنیتی آن است که می‌تواند به رفتار و صف مجرمانه بیخشد.»

امنیت مردم؛ خط قرمز پلیس

پلیس تأکید دارد که فضای مجازی نباید به بستری برای قدرت‌نمایی، تهدید و ایجاد ناامنی تبدیل شود و با چنین رفتارهایی برخورد خواهد کرد. در همین خصوص، سرهنگ بابک نمک‌شناس، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بزرگ نیز اعلام می‌کند که امنیت مردم، خط قرمز پلیس است و افرادی

هفته گذشته انتشار فیلمی از قدرت‌نمایی و ضرب‌و شتم بانوان در یک لایو اینستاگرامی، واکنش‌های گسترده‌ای در پی داشت و پلیس امنیت تهران بزرگ را برای شناسایی و دستگیری متهم وارد عمل کرد. بررسی سوابق متهم نشان داد او ۱۰ فقره سابقه اتهامی از جمله مزاحمت، نزاع و درگیری، سرقت، ضرب و جرح، مزاحمت در فضای مجازی و تهدید به قتل دارد و پیش از این نیز چندین بار روانه زندان شده است. آن‌طور که معاون مبارزه با شرارت و جرائم خشن پلیس امنیت گفته، مأموران پس از شناسایی محل تردد متهم، ساعت یک بامداد پنجشنبه نهم مرداد ۱۴۰۵ برای دستگیری او وارد عمل شدند. متهم هنگام مواجهه با مأموران با سلاح سرد حمله کرد و پس از شلیک تیرا خطار و ادامه مقاومت، با استفاده از سلاح سازمانی از ناحیه هر دو پا و دست چپ هدف گلوله قرار گرفت و زمینگیر شد. هرچند متهم اظهار ندامت و پشیمانی کرده، اما پرونده همچنان در دست بررسی است و در روزهای نخست پس از دستگیری اعلام شد شاکي خصوصی ندارد. با این حال، این‌پرشن مطرح است که در چنین پرونده‌ای، نبود شاکي خصوصی تا چه اندازه مانع ورود دستگاه قضایی می‌شود و قانون برای برخورد با رفتارهایی که علاوه بر بزه‌دیدگان، امنیت روانی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، چه ظرفیت‌هایی در نظر گرفته است؟

برخورد قاطع با انتشار خشونت

انتشار تصاویر خشونت‌آمیز در فضای مجازی، تنها به بازتاب اجتماعی یک رفتار مجرمانه محدود نمی‌شود و در برخی

طلاق به خاطر دعوا بر سر محل زندگی



در پایان، قاضی پس از شنیدن اظهارات طرفین سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند و از آنها خواست پیش از تصمیم نهایی، با مشاور خانواده صحبت کنند. با این حال، باتوجه به اصرار زوج بر جدایی، رسیدگی به این پرونده به جلسه آینده موکول شد و قاضی از آنها خواست پیش از صدور رأی نهایی، فرصت دیگری برای گفت‌وگو و مشاوره در نظر بگیرند.

ازدواج نیازمند تعادل است

سارا شقاقی، روان‌شناس در این خصوص می‌گوید: بخش قابل‌توجهی از طلاق‌هایی که امروز در دادگاه‌های خانواده مطرح می‌شود، نه به‌دلیل بحران‌های حاد بلکه به‌خاطر اختلافات تدریجی و حل‌نشده‌ای است که در طول زمان عمیق شده‌اند. اختلاف‌نظر درباره مسائل کوچک زندگی اگر به‌موقع مدیریت نشود، می‌تواند به جدایی عاطفی زوج‌ها بینجامد. بسیاری از زوج‌ها تصور می‌کنند اختلاف سلیقه امری طبیعی است و خود به خود حل خواهد شد اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که یکی از طرفین احساس کند در تصمیم‌های مهم زندگی نادیده گرفته شده است. وقتی گفت‌وگو جای خود را به اصرار، تهدید یا سکوت می‌دهد، فاصله عاطفی شکل می‌گیرد و همین فاصله، زمینه‌ساز طلاق می‌شود. درواقع مشکل اصلی نه خود اختلاف بلکه ناتوانی در رسیدن به یک راه‌حل مشترک است. زوج‌ها باید این مسأله را یاد بگیرند که ازدواج به‌معنای حذف خواسته‌های فردی نیست، بلکه نیازمند تعادل است. زمانی که یکی از طرفین احساس کند برای حفظ زندگی مشترک باید از تمام خواسته‌هایش بگذرد، به‌تدریج احساس نارضایتی و دلزدگی شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، نادیده گرفتن نیازهای طرف مقابل نیز می‌تواند احساس بی‌ارزشی و عدم امنیت عاطفی ایجاد کند. مراجعه به مشاوره خانواده، پیش از رسیدن اختلافات به نقطه بحرانی، می‌تواند بسیاری از این پرونده‌ها را از مسیر طلاق خارج کند. یادگیری مهارت گفت‌وگوی مؤثر، شنیدن بدون قضاوت و پذیرش تفاوت‌ها، از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند به حفظ بنیان خانواده کمک کند. طلاق معمولاً یک تصمیم ناگهانی نیست، بلکه نتیجه گفت‌وگو‌هایی است که هیچ‌گاه به‌درستی انجام نشده‌اند.

چوبه دار، فرجام قاتلان دختر بچه و مرد صاحبخانه

پس از رسیدگی به این پرونده، قضات ادعای متهم را قبول نکرده و او را به قصاص محکوم کردند.

انکار قتل دختر ۶ ساله پس از اعتراف



چهار سال قبل، مادر دختر بچه‌ای شش ساله به نام رگسانا به پلیس خبر داد دخترش گم شده است. او گفت رگسانا را برای خرید نان بیرون فرستاده اما دیگر بازنگشته است. چند روز جست‌وجوی پلیس بی‌نتیجه ماند تا این‌که یک هفته بعد جسد دختر درون گونی و میان زباله‌ها در پاکدشت پیدا شد. مدتی بعد مادر رگسانا از شوهرخواهرش به نام بهروز شکایت کرد و او را عامل قتل دانست. زن مدعی شد متهم به‌دلیل اختلافی که بر سر یک تبلت با او و مادرش داشته، دخترش را قربانی کینه خود کرده است.

بهروز بازداشت شد و ماه‌ها قتل را انکار کرد اما سرانجام به کشتن رگسانا اعتراف کرد.

او مدعی شد اختلافش با مادرزن و خواهرزنش بر سر تبلت پسرش بوده و آنها تبلت را از فرزندش گرفته و به رگسانا داده بودند.

با تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده به شعبه هشتم دادگاه کفیری یک استان تهران فرستاده شد. پدر رگسانا در دادگاه درخواست قصاص کرد و گفت پس از قتل دخترش متوجه شده همسرش پیش از ازدواج با او، همسر بهروز بوده و این موضوع را از او پنهان کرده است. او همچنین گفت متهم پس از طلاق با خواهرزنش ازدواج کرده بود. سپس بهروز در جایگاه قرار گرفت و قتل را انکار کرد. قاضی به‌اعترافات قبلی او درباره تعقیب رگسانا با موتور، ضربه زدن به او و قتلش با بلوک سیمانی اشاره کرد اما متهم مدعی شد تحت فشار اعتراف کرده است.

قاضی همچنین گفت دو شاهد شهادت داده‌اند متهم پیش از حادثه تهدید کرده داغ فرزند را بر دل مادر رگسانا می‌گذارد. بهروز این اظهارات را نیز رد کرد و گفت تهدیدها مربوط به اختلاف بر سر تبلت بوده و ارتباطی با قتل نداشته است.

پس از اخذ آخرین دفاع، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شده و بهروز را به قصاص محکوم کردند.

دو متهم که در پرونده‌های جداگانه صاحبخانه و دختر باجناب را به قتل رسانده بودند، پس از محاکمه در دادگاه کفیری استان تهران به قصاص محکوم شدند. یکی از متهمان در دادگاه مدعی قتل با ادعای مهدورالدمی قاتل بود و دیگری ارتکاب جنایت را رد کرد.

برای دفاع از همسر صاحبخانه را کشتن



رسیدگی به پرونده قتل مردی میانسال مقابل یکی از پارک‌های حاشیه تهران از تابستان سال گذشته آغاز شد. مأموران پس از حضور در محل دریافتند مردی بر اثر اصابت گلوله جان باخته و عامل جنایت پس از سرقت خودروی او گریخته است.

در ادامه تحقیقات مشخص شد آخرین تماس مقتول با شماره‌ای ناشناس برقرار شده و بررسی‌ها نشان داد سیمکارت این شماره در گوشی مستأجر مقتول به نام یاشا فعال بوده است. متهم دستگیر شد و ابتدا قتل را انکار کرد اما در ادامه به جنایت اعتراف و مدعی شد به‌دلیل مزاحمت‌های مقتول برای همسرش دست به قتل زده است.

پس از تکمیل تحقیقات و بازسازی صحنه، پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کفیری یک استان تهران ارسال شد.

در ابتدای جلسه، وکیل اولیای دم به نمایندگی از پدر، مادر و فرزند مقتول درخواست قصاص کرد و گفت خانواده مقتول حاضر به گذشت نیستند. سپس متهم در تشریح ماجرا گفت: حدود دو سال قبل همراه همسر در خانه‌ای سه طبقه در شرق تهران مستأجر شدیم. پس از مدتی متوجه پیام‌های صاحبخانه به همسر شدم. با این مرد صحبت کردم که ادعا کرد هیچ نیت بدی ندارم و همسر مثل دخترش است.

متهم مدعی شد یک روز همسرش در تماس تلفنی اعلام کرد صاحبخانه برای برداشتن وسایلی به خانه آمده و او را مورد آزار قرار داده که پس از مدتی و با شروع دوباره پیام‌های مقتول برای همسرش، تصمیم به قتل گرفت. روز حادثه با مقتول تماس گرفت و به بهانه تمام شدن بنزین خودرو، او را به محل کشاند. پس از حضور مقتول، با او درگیر شد و با شلیک یک گلوله به سرش، او را کشت.